

سیمای امام علی علیه السلام در آئینه معراج نبوی صلی الله علیه و آله

زهرا رضائیان*

اشاره

معراج، از رویدادهای مهم زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. بنا بر نص قرآن کریم و روایات معتبر، خداوند رسول خدا صلی الله علیه و آله را به آسمانها برد تا آن حضرت بر حقایق عالم احاطه کامل یابد. منابع اسلامی، این رویداد را از معجزات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ذکر کرده‌اند. درباره معراج، از زاویه‌های مختلف بحث شده است و یکی از این زوایا، بررسی جایگاه و فضایل امام علی علیه السلام در این رخداد مهم معنوی می‌باشد. در این نوشتار، به کندوکاو درباره فضیلت‌ها و منزلت‌های امیر مؤمنان، علی علیه السلام با توجه به حدیث معراج می‌پردازیم.

رسول اعظم صلی الله علیه و آله، برترین آفریده الهی

شخصیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، دارای ابعاد وسیع و والایی است؛ چنان‌که آن حضرت در عروج معنوی‌اش، به سدره‌المنتهی و در نهایت، به مقام «قاب قوسین أو أدنی» نایل شد؛

* پژوهشگر.

چنان‌که خداوند بزرگ نیز اخلاق و منش نبوی را با تعبیر «عظیم» یاد نموده و فرموده:

«وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۱

به بیان دیگر، وجود مقدس رسول خدا ﷺ، برترین آفریده الهی و عصاره خلقت بوده و شخصیتی است که تمام مُلک و ملکوت به برکت وجود با عظمت او آفریده شده و از ذره تا سیاره و نیز انس و جن و مُلک، از سفره پُر برکت حضرتش، از هستی بهره‌مند شده‌اند. گفتنی است، در این میان، امام علی علیه السلام اگرچه جایگاه بلندی دارد و در خانه خدا به دنیا می‌آمده، سه روز میهمان خانه خدا شده، در شب معراج بارها و بارها در آسمان‌ها از او سخن به میان می‌آمده و نیز آیات بسیاری در شأن و منزلتش نازل گردیده، اما همه این‌ها هیچ‌گاه به معنای برتری ایشان بر شخصیت عظیم و والای رسول خدا ﷺ نیست.

از این رو، احادیث بسیاری که ترسیم‌گر سیمای امام علی علیه السلام در لحظات مختلف معراج رسول خدا ﷺ است، تنها در صدد بیان فضایل امام علی علیه السلام است و نه برتری ایشان بر وجود مقدس پیامبر ﷺ.

معراج در قرآن

آیات بسیاری به معراج رسول گرامی اسلام ﷺ اشاره دارند؛^۲ از جمله آیات اوّل سوره مبارکه اسراء که فرموده: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ؛ منزه است، آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامون آن را برکت داده‌ایم، سیر داد تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم که او، همان شنوای بینا است.»

در این آیه شریفه، سیر شبانه رسول خدا ﷺ از مسجد الحرام به مسجد الاقصی یاد شده است که یکی از معجزات حضرت بود و فاصله بین مکه و مسجد اقصی را که در حدود ۲۲۰۰ کیلومتر است، در چشم‌برهم‌زدنی پیمود.^۳

۱. قلم، آیه ۴.

۲. رک: اسراء، آیه ۱، ۶۰ و ۹۳؛ نجم، آیه ۱-۱۸؛ بقره، آیه ۲۸۴-۲۸۶؛ انعام، آیه ۷۵؛ یونس، آیه ۹۴؛ رعد، آیه ۲۹؛ زخرف، آیه ۴۵؛ انشقاق، آیه ۱۹.

۳. قرشی، سید علی‌اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش، ج ۶، ص ۷.

در آیات سوره مبارکه نجم نیز سیر آسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده است؛ سیری که هیچ کس نتوانست پیامبر صلی الله علیه و آله را همراهی کند؛ حتی جبرئیل. خداوند در سوره نجم، مطالب مربوط به معراج را با سوگند خویش به ستارگان آغاز کرده است که بنا بر روایات، مراد از «النجم»: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، نشان خلافت امام علی علیه السلام و نیز دوازده امام معصوم علیهم السلام است.^۱

اهمیت ولایت در معراج نبوی

از مهم‌ترین رهاوردهای معراج، اعلام ولایت امام علی علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام است. امامت در اندیشه اسلامی، از جایگاه والایی برخوردار است و رهبری امام علی علیه السلام نیز در مجموعه حقایق الهی، از مرتبتی عظیم برخوردار است. رسالت علنی پیامبر صلی الله علیه و آله، با ولایت علوی در می‌آمیخت و پیامبر صلی الله علیه و آله در گذرگاه رسالت خود، بارها بدان تأکید کرد. انحراف از این مسیر بود که در تاریخ اسلام انحراف‌ها به وجود آورد و فسادها گسترده و اگر چنین نمی‌شد، این همه نابه‌سامانی نیز نبود. پس، شگفت نیست که چنین موضوع عظیم و حقیقت مهمی، در آن سیر و سفر ملکوتی عنوان شود و خداوند با رسول گرامی‌اش از آن سخن بگوید و پیامبر صلی الله علیه و آله چگونگی آن را به عنوان رهاوردی از این سفر، برای امت خود باز گوید. در معراج، ولایت امام علی علیه السلام با عبارات مختلف ارائه شده است؛ گاهی از حضرت به عنوان «امیر مؤمنان» و گاهی به عنوان «حجت» خداوند یاد گردیده است.

به طور کلی، می‌توان فضایل امام علی علیه السلام را با توجه به حدیث معراج به شرح ذیل برشمرد:

۱. اعطای لقب «امیر مؤمنان» به علی علیه السلام

در روایتی آمده که ابن عباس می‌گوید:

به خدا قسم! ما به علی علیه السلام «امیرالمؤمنین» نگفتیم تا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را «امیر المؤمنین» نامید. روزی در مدینه کنار پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که امام علی علیه السلام آمد و به

۱. آلوسی، سید محمود، تفسیر روح المعانی، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵هـ، ج ۲۷، ص ۲۱۱؛ حاکم نیشابوری، عبدالله، شواهد التنزیل، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۷۶.

پیامبر ﷺ سلام کرد. پیامبر ﷺ نیز در جواب او فرمود: و سلام بر تو ای امیر مؤمنان! در این هنگام، من از این کلام پیامبر ﷺ تعجب کردم و گفتم: آیا این لقبی که به علی ﷺ دادید، از روی محبت شما به علی ﷺ است، یا این که دستوری است از طرف خدا؟ پیامبر ﷺ فرمود: به خدا قسم! هیچ چیزی درباره علی ﷺ نگفته‌ام، مگر این که آن را با چشم خود دیده‌ام. پرسیدم: ای رسول خدا! در مورد علی ﷺ چه دیده‌اید؟ پیامبر ﷺ فرمود: شبی که مرا به آسمان بردند، بر هیچ دری از درهای بهشت نرفتم، مگر این که روی آن در نوشته شده بود: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ آدَمُ بِسَبْعِينَ أَلْفَ عَامٍ؛ علی بن ابی طالب ﷺ، امیر مؤمنان است؛ هفتاد هزار سال قبل از این که حضرت آدم ﷺ خلق شود.»^۱

۲. انتخاب جانشینی علی ﷺ توسط خداوند

در روایتی که امام باقر ﷺ از پدران خویش نقل کرده، آمده است:

پیامبر ﷺ فرمود: چون شب معراج به آسمان‌ها برده شدم و از آن جا به سدره‌المتنه، در پیشگاه حضرت حق قرار گرفتم. حضرت حق از من سؤال کرد: ای محمد! من خلقم را مورد آزمایش قرار دادم، در میان آن‌ها چه کسی بیشتر مطیع توست؟ عرض کردم: پروردگارا! علی ﷺ.

ندا رسید: تو را تصدیق کردیم، ای محمد! آیا برای خودت جانشینی اختیار کرده‌ای تا وظایف‌ات را ادا کرده و بندگانم را در آنچه از کتاب نمی‌دانند، آموزش دهد؟ گفتم: خداوندا! برایم اختیار کنید و جانشینم را معلوم کنید که آنچه برایم اختیار کنید، همان است که خود اختیار کرده باشم. خداوند فرمود:

«همانا علی را برای تو برگزیدم. پس آن را وصی و جانشین خود قرار ده که او را از دانش و صبر خود چشاندی و او به حق «امیر مؤمنان» است که احدی را قبل از او و بعد از او، شایسته چنین مقامی نیست. ای محمد! علی، نشانه هدایت است و پیشوای هر کس که مرا اطاعت کند و او است نور دوستان من، و همان است که تقوای پیشگان را

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تصحیح: جمعی از مصححان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۷،

به آن ملزم کرده‌ام. هر کس او را دوست بدارد، در حقیقت، مرا دوست داشته است و هر کس که با او دشمنی داشته باشد، در حقیقت، با من دشمنی دارد. اگر علی نبود، دوستان من و دوستان پیامبران من شناخته نمی‌شدند.^۱

اگرچه امامت امام علی علیه السلام به طور رسمی در جریان بازگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله از آخرین سفر حج و در منطقه غدیر خم اعلام شد، اما امامت حضرت در شب معراج به طرق مختلفی بیان شد و خداوند این مقام والا را به رسولش نشان داد.

در جریان غدیر خم پس از بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه، بر اساس نزول آیه ۶۷ سوره مائده توسط فرشته وحی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت مأمور شد تا ولایت و امامت امام علی علیه السلام را به طور رسمی به همگان اعلام کند. فرمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای ابلاغ آن مأمور شده بود، آن‌چنان خطیر و عظیم بود که - بر فرض محال - هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله در رساندن آن ترسی به خود راه می‌داد و آن را ابلاغ نمی‌کرد، رسالت الهی‌اش را انجام نداده بود؛ بلکه تنها با انجام این مأموریت بود که رسالت وی تکمیل می‌شد. این موضوع نشان می‌داد که مورد مأموریت، یکی از اصول مهم اسلامی است که با دیگر اصول و فروع اسلامی پیوستگی دارد و پس از یگانگی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، مهم‌ترین مسأله شمرده می‌شود.

بنابراین، ولایت و امامت امام علی علیه السلام که پس از شب معراج، پیامبر صلی الله علیه و آله بارها و بارها بر آن تأکید فرموده و آن را در میان اصحاب خود به طرق مختلف بازگو نموده بودند، در جریان غدیر خم جنبه رسمی به خود گرفت تا حجت بر همگان تمام شود و دیگر کسی عذر و بهانه‌ای نیاورد.

۳. تأکید بر فضیلت و امامت علی علیه السلام

اگر بشر به اندازه فرشتگان، امام علی علیه السلام را می‌شناخت، می‌دانست که خداوند متعال با انتخاب امام علی علیه السلام به عنوان وصی رسولش، چه منتهی بر سر بندگان خویش نهاده است؛ زیرا آنان به واسطه امام علی علیه السلام که دروازه علم نبوی بود، می‌توانستند از گمراهی و جهالت نجات پیدا کنند.

۱. ابن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام، مصحح: اسماعیل انصاری زنجانی، قم:

دار الکتاب، ۱۴۱۳ق، ص ۱۶۰.

در روایتی آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

در شب معراج چون به آسمان هفتم رسیدم، علی رضی الله عنه را دیدم که مشغول نماز خواندن بود. تعجب کردم و به جبرئیل گفتم: آیا این علی رضی الله عنه است که از ما پیشی گرفته؟

جبرئیل گفت: نه، او علی رضی الله عنه نیست. گفتم: پس، او کیست؟ جبرئیل گفت:

«إِنَّ الْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ وَالْمَلَائِكَةَ الْكُرُوبِيِّينَ لَمَّا سَمِعُوا فَضَائِلَ عَلِيٍّ عَ وَخَاصَّتَهُ وَ سَمِعَتْ قَوْلَكَ فِيهِ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي اشْتَأَقْتُ إِلَيْ عَلِيٍّ فَخَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهَا مَلَكًا عَلَى صُورَةِ عَلِيٍّ فَإِذَا اشْتَأَقْتُ إِلَيْ عَلِيٍّ جَاءَتْ إِلَيَّ ذَلِكَ الْمَلَكِ فَكَأَنَّهُا قَدْ رَأَتْ عَلِيًّا؛ چون فرشتگان مقرب و ملائکه کروبوی از درگاه الهی فضایل و ویژگی‌های والای علی رضی الله عنه و نیز حدیث منزلت را که از زبان تو بیان شد (تو نسبت به من به منزله هارون به موسی هستی؛ مگر آن‌که بعد از من رسولی نیست)، شنیدند، مشتاق او و مقامش شدند. پس خداوند بلندمرتبه نیز ملکی را به صورت علی رضی الله عنه برای آن‌ها خلق کرد و آن‌ها هر وقت مشتاق علی رضی الله عنه می‌شوند، این ملک را زیارت می‌کنند؛ گویا که علی رضی الله عنه را تماشا کرده‌اند.»^۱

مسئله خلافت و جانشینی امام علی رضی الله عنه که کامل‌کننده رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، آن‌چنان اهمیت داشت که خداوند در شب معراج بارها و بارها آن را برای پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح کرد. در روایتی، از ابن‌عباس چنین نقل شده است که:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون به آسمان هفتم عروج کردم و از آن‌جا به سدره‌المنتهی و از سدره‌المنتهی به حجاب‌های نور رفتم، پروردگار عالم مرا چنین ندا داد:

ای محمد! تو بنده من هستی و من پروردگار توام. پس، برای من خضوع کن و مرا عبادت کن و بر من توکل کن که همانا من به تو راضی شدم که بنده، دوست، فرستاده و نبی من هستی و به برادرت علی رضی الله عنه که جانشین تو است، [راضی شدم]؛ [ای محمد!] او حجت من بر بندگانم و پیشوای خلقم است. به وسیله او است که دوستانم از دشمنانم شناخته می‌شوند و به او است که حزب شیطان از حزب من تشخیص داده می‌شود و به وسیله او است که دین من پایدار و حدودم حفظ و احکامم تنفیذ می‌گردد.

۱. حلی، حسن بن یوسف، کشف‌الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین رضی الله عنه، مصحح: حسین درگاهی، تهران: انتشارات وزارت

[ای محمد!] به جهت تو و علی و ائمه از فرزندان او است که رحمت خود را به بندگان می‌رسانم و به دلیل وجود قائم علیه السلام است که زمین را عمر می‌دهم...»^۱
در روایت دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

شبی که به معراج رفتم، به آسمان هفتم رسیدم و آنجا رفرف را آماده کردند که با آن از حجاب نور گذشتم و به درگاه الهی راه یافتم و خداوند سفارش‌هایی به من نمود. پس چون خواستم برگردم، یک منادی از ورای حجاب‌ها نداد داد: «نِعْمَ الْأَبُ أَبُوكَ إِبرَاهِيمُ وَ نِعْمَ الْأَخُ أَخُوكَ عَلِيُّ فَاسْتَوْصِ بِهِ؛ خوب پدری است پدر تو، ابراهیم علیه السلام و خوب برادری است برادر تو علی علیه السلام. پس، او را وصی خود قرار ده.»^۲

۴. رابطه بعثت انبیا با ولایت علی علیه السلام

اهمیت، حساسیت و والایی جایگاه ولایت امام علی علیه السلام تا آنجا است که در چند مرحله، در شب معراج مطرح می‌شود. این تکرار، بیانگر استواری و حقانیت آن است که تنها به همین مرحله ختم نشد؛ بلکه این امر خطیر، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله باید از پشتوانه دیگری نیز برخوردار می‌شد. از این رو، منادیان توحید و فریادگران حق، یعنی پیامبران الهی که آزادی انسان و کرامت او را وجهه همت خود قرار داده بودند نیز در شب معراج، بر وصایت و ولایت امام علی علیه السلام اعتراف کردند؛ چرا که کمال ادیان الهی، در آیین محمدی است و اتمام و اکمال آیین محمدی هم در ولایت علوی خلاصه می‌شود. سفیان ثوری از امام صادق علیه السلام چنین روایت می‌کند:

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چون خداوند بلندمرتبه مرا به سوی آسمان‌ها برد و از آسمانی به آسمان دیگر می‌رفتم و به ملائکه مقرب الهی رسیدم و از جایگاهی عبور کردم که جبرئیل نیز بدانجا نرسیده بود، خداوند وحی کرد به من، آنچه قرار بود وحی کند. پس حاملان عرش الهی به من گفتند: ای محمد! برای چه مبعوث شدی؟ گفتیم: به ولایت خودم و ولایت برادرم علی بن ابی‌طالب علیه السلام»^۳

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی، امالی، تهران: انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶ش، ص ۶۳۲.

۲. همان، ص ۳۲۵.

۳. طبری آملی، محمد بن جریر، نوادر المعجزات فی مناقب ائمة الهدی علیهم السلام، مصحح: باسم احمد اسدی، قم: انتشارات

دلیل ما، ۱۴۲۷ق، ص ۱۷۳.

ابونعیم حافظ نیز در تفسیر آیه «وَأَسْأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا؛^۱ و از رسولان ما که پیش از تو گسیل داشتیم، جو یا شو» آورده است:

«شب معراج، خداوند متعال تمام پیامبران را جمع کرد و به پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ای محمد! از اینان سؤال کن برای چه چیزی شما به پیامبری مبعوث شدید؟ تمام پیامبران گفتند: «بُعِثْنَا عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَالْإِقْرَارِ بِنُبُوَّتِكَ وَالْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ مبعوث شده‌ایم که شهادت دهیم هیچ خدایی جز الله نیست و این‌که اقرار کنیم بر نبوت تو و ولایت علی بن ابی‌طالب ﷺ.»^۲

۵. نام علی ﷺ در سه جایگاه مقدس

در روایتی از امام صادق ﷺ نیز آمده است:

رسول خدا ﷺ به علی ﷺ فرمود: ای علی! من نام تو را در سه جا با نام خویش همراه دیدم. پس، با نگرستن به آن دلم آرام گرفت: در سفر معراجم به آسمان، وقتی که به بیت‌المقدس رسیدم، دیدم که روی صخره آن نوشته شده: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَيْدِيَهُ بَوَزِيرِهِ وَنَصْرَتُهُ بَوَزِيرِهِ؛ معبودی به جز الله نیست. محمد، فرستاده خدا است. او را با جانشینش تأیید و یاری کردیم.» به جبرئیل گفتم: جانشین من کیست؟ گفت: علی بن ابی‌طالب ﷺ.

چون به سدره‌المنتهی رسیدم، روی آن نوشته شده بود: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحَدِي مُحَمَّدٌ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي أَيْدِيَهُ بَوَزِيرِهِ وَنَصْرَتُهُ بَوَزِيرِهِ؛ من، الله هستم. معبودی به حق جز من نیست که یکتا و بی‌همتایم. محمد، بهترین برگزیده من از خلقم است. او را با جانشینش یاری و تأیید کردم.» به جبرئیل گفتم: جانشین من چه کسی است؟ گفت: علی بن ابی‌طالب ﷺ.

چون از سدره‌المنتهی بالاتر رفتم، به عرش الهی رسیدم و دیدم که روی آن نوشته شده است: «أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحَدِي مُحَمَّدٌ حَبِيبِي أَيْدِيَهُ بَوَزِيرِهِ وَنَصْرَتُهُ بَوَزِيرِهِ؛ من، الله

۱. زخرف، آیه ۴۵.

۲. ابن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، مصحح: علی عاشور، قم: انتشارات خیام، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۱۰۱.

هستم. معبودی به حق جز من نیست که یکتا و بی‌همتایم. محمد، دوست من است. او را با جانشینش تأیید و یاری کردم.^۱

۶. محبت به علی علیه السلام مانع آفرینش آتش

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: شبی که به آسمان‌ها برده شدم، در هر آسمانی فرشتگان را ملاقات کردم که مرا بشارت دادند؛ تا این که جبرئیل را در محفلی از ملائکه ملاقات کردم و او گفت: «لَوْ اجْتَمَعَتْ عَلَيَّ حُبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَهْلُ الدُّنْيَا مَا خَلَقَ اللَّهُ النَّارَ؛ ای محمد! اگر امت تو بر دوستی علی علیه السلام اجتماع می‌کردند، خداوند آتش را نمی‌آفرید.»^۲

قسمت نخست این حدیث، در چند کتاب روایی شیعه موجود است و سند آن نیز به صورت «مرفوع» و دارای «ارسال» است؛ ولی در مورد قسمت دوم آن که گفته است: «اگر اجتماع امت بر این محبت می‌بود»، مشهور اهل حدیث بر نقل این روایت اتفاق دارند و در کتب معتبر خود، آن را نقل نموده‌اند. بخش اول روایت نیز با توجه به مؤیدات روایی دیگری که در مسأله معراج در مورد آن وجود دارد، ثابت می‌شود. بنابراین، این روایت با توجه به مضمون و دلالتش، مورد قبول است.

اندیشه، گفتار، اخلاق و رفتار امام علیه السلام به گونه‌ای است که خط‌مشی زندگی مسلمانان را بر اساس الگوی اسلامی ترسیم می‌کند؛ یعنی امام بر حیات فکری، اخلاقی و فردی و اجتماعی مسلمانان تأثیر می‌گذارد و مسئولیت او، فقط در برقراری امنیت و دفاع از کیان اسلام و مسلمانان و اجرای احکام اسلامی خلاصه نمی‌شود. او، کارشناس مسائل معرفتی و باید‌ها و نبایدهای دینی است و رأی او، معیار حق و باطل می‌باشد. از دیگر سو، وقتی آدمی کسی را دوست داشته باشد، می‌کوشد تا خود را به او شبیه کند و از او الگو بگیرد. حال، اگر امت اسلامی محبت امام علی علیه السلام را در قلب خود داشتند، به گونه‌ای که در همه کارها از آن حضرت پیروی می‌کردند، طبیعی است که به راه راست هدایت می‌شدند، بنده واقعی خدا می‌شدند و گناهی انجام نمی‌دادند تا به جهت آن، گرفتار آتش عذاب الهی شوند.

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، مصحح: علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۲۰۷.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۳۹، ص ۲۶۷.

۷. علی علیه السلام، واسطه فیض الهی

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرموده است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

چون شب معراج مرا به آسمان‌ها بردند و از آن‌جا منتهی به حجاب نور شدم، پروردگار بلندمرتبه‌ام با من چنین صحبت کرد: «یا مُحَمَّدُ بَلِّغْ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ مِنِّي السَّلَامَ وَاعْلِمْنَاهُ أَنَّهُ حُجَّتِي بَعْدَكَ عَلَى خَلْقِي بِهِ اسْقَى عِبَادِي الْغَيْثَ وَبِهِ أَدْفَعُ عَنْهُمْ السُّوءَ وَبِهِ أحتجُّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَلْقَوْنِي فَأَيَّاهُ فَلْيَطِيعُوا وَ لِأَمْرِهِ فَلْيَأْتِمِرُوا وَعَنْ نَهْيِهِ فَلْيَنْتَهُوا أَجْعَلُهُمْ عِنْدِي فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ (وَ أَيْبِحُ لَهُمْ جَنَّتِي وَ إِنْ لَمْ يَفْعَلُوا أَسْكَنْتُهُمْ نَارِي مَعَ الْأَشْقِيَاءِ مِنْ أَعْدَائِي ثُمَّ لَا أُبَالِي؛ ای محمد! سلام مرا به علی بن ابی طالب علیه السلام برسان و او را آگاهی ده که بعد از تو، حجت من بر خلقم خواهد بود. به واسطه علی علیه السلام است که باران را بر بندگانم نازل می‌کنم و بلا را از خلقم دور می‌کنم و روز قیامت بندگانم را با آن می‌سنجم. پس، او را اطاعت کنید و از امر و نهی‌اش پیروی نمایید تا نزد من در جایگاه صدق قرار گیرید و بهشتم را مباح شما گردانم و جایگاه شما را با اشقیاء از دشمنانم قرار ندهم.»^۱

۱. همان، ج ۳۸، ص ۱۳۹.